زیر پرچم مارکسیسم ـ لنینیسم ـ اندیشه مائوتسه دون به پیش!

ستاره سرخ

سنتاره سرخ ـ شماره سوم ـ سال اول

تیر ماه ۱۳۴۹ برابر ژوئیه ۱۹۷۰

پنجاه تا صد سال آینده که از هم اکنون شروع میشود ، دوران بزرگی خواهد بود که در آن تحولات ریشه‌ای در نظام اجتماعی در جهان رخ خواهد داد ، دورانی که زمین و آسمان را بلرزه در خواهد آورد و هیچ دوران تاریخی گذشته با آن قابل قیاس نخواهد بود .

ـ مائو تسه دون

«خورشید میدرخشد، شرق سرخ فام است!»

تظاهرات خیابانی اسفند ۱۳۴۸ مردم در تهران که در گیری عظیم زحمتکشان و دانشجویان را در بر داشت ، طرح سوء دجویانه رژیم را افزایش قیمت بلیط اتوبوس نقش بر آب کرد . پس از این پیروزی موج بدنبال موج ، مبارزه خلق ما ادامه یافته و شدت گرفته است . هر روز قشرهای بیشتری با اشکال گوناگون به مقاومت علیه دیکتاتوری محمد رضا شاهی دست میزنند و برای از میان برداشتن سلطه اسارت بار امپریالیسم و ارتجاع مبارزه میکنند . مبارزات اخیر در درجه اول علیه تسلط اسارت بار امپریالیسم امریکا بر کشور ماست که با کفرانس اخیر سرمایه گزاران امریکائی در تهران ، دامنه نفوذ آن بیشتر از گذشته گسترش یافته است . بطوریکه ایران امروز بصورت یک پایگاه سیاسی ، اقتصادی و نظامی برای مقاصد شوم امپریالیسم امریکا در خاورمیانه در آمده است .

مبارزات اخیر همچنین علیه صهیونیستها و بیان کننده همبستگی خلق ما با مبارزات رهائیبخش خلق فلسطین و سایر خلقهای جهان بود که لاوراینه مبارزه‌ای قهرآمیز و پیروزمند علیه امپریالیستها و حکومتهای دست نشانده مستکبر برداخته و عرصه را بر آن تنگ کرده‌اند .

در این مبارزات روحانیون مترقی و ضد امپریالیست نقش مهمی ایفا کرده‌اند . دانشجویان دانشگاهها و روشنفکرانی که در سراسر سال گذشته به مبارزه مشغول بوده‌اند قهرمانانه در آن شرکت داشتند . توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار خلق نیروی دیگر و مهم این مبارزه بودند . مبارزات اخیر تحت پرچم اعتراض علیه کنفرانس سرمایه داران امریکائی در ایران صورت گرفت که دستگاه حاکمه آنرا پیشرمانه " کنفرانس سرمایه داری ایران " نامیده بود . روحانیون مترقی و ضد امپریالیست ایران علیه این خیانت جدید حکومت ارتجاعی محمد رضا شاه اعلامیه‌ها صادر کرده ، مردم ایران را به مبارزه علیه این گام نوین وطن‌فروشی دعوت کردند . در جریان این مبارزه یکی از روحانیون بنام آیت الله سعیدی دستگیر شد و پس از یازده روز در زندان شکنجه گاهها ی شاه بقتل رسید . خبر شهادت آیت الله سعیدی خشم مردم را برانگیخت . میهن پرستانی که در مجلس ختم او شرکت کرده بودند آنرا تبدیل به مجلس افشای سیاست اسارت آور شاه کردند . پلیس و سازمان امنیت کوشش بسیار کرده بودند تا از بروز این تظاهرات جلوگیری کنند ولی از آنجا که مقتضحانه شکست خوردند بدستگیری مردم مبارز پرداختند . در حدود ۰۰ نفر در رابطه با جریانات فوق دستگیر شدند که از آنمیان میتوان از حجت الاسلام ربانی و کلانتر و طلابهای میهنپرستی چون سالاری و سلیمانی نام برد . اما عکس العمل وحشیانه حکومت بی ثبات و ترسو هیچ خللی در اراده مبارزاتی مترقی و ضد امپریالیست بوجود نیاورد . آنها از دستگیریهای رژیم ، از تلفاتی که در مبارزه دادند و میدهند نهراسیدند ، به مبارزه ادامه داده و مردم را به مبارزه دعوت میکنند . روحانیون میهن پرست ایرانی طی اعلامیه در مورد شهادت آیت الله سعیدی اعلام میدارند که " شهادت آیت الله سعیدی در زیر شکنجه ، توقیف و تبعید و شکنجه دیگر روحانیون بزرگ حوزه علمیه قم و تهران ما را از ادامه راهی که در راه رفاه و آسایش مردم مسلمان ایران و مبارزه بر ضد توطئه‌های استعمار بین المللی که در پیش داریم باز نمیدارد . " مبارزه روحانیون ایرانی در عراق هم شدت یافته است . در حدود ۱۱ تن از آنها که بخاطر عدم تمدید پاسپورت در سفارت و تخانه متحصن کرده بودند مورد حمله کارکنان سفارت ایران در عراق قرار گرفتند . بدنبال این مساله چند بین اعلامیه از طرف طلاب مبارز ایرانی در عراق انتشار یافته است که دارای مضمون ضد امپریالیستی و ضد ارتجاع حاکم میباشد .

در سیمسازی علیه خلق فلسطین و سایر خلقهای عرب تشکیل شده بود . دانشجویان مبارز تهران با تظاهرات خویش نفرت خود را به امپریالیستها و همبستگی خود را با خلقهای خاورمیانه ابراز داشته بودند . اینبار هم که کنفرانس سرمایه داران امریکائی در تهران برگزار میشد دانشجویان با شجاعت تمام و علیرغم خطر اخراج از دانشگاه و بسربازی فرستادن و زندان و شکنجه و حتی اعدام که همه دانشجویان مبارز را تهدید میکند دست به تظاهرات وسیعی زدند که در خاتمه آن به " کانون دانشجویان ایران و امریکا " حمله بردند و شیشه‌ها و دریچه‌های آنرا شکستند . بدنبال این فعالیتها ۶۸ نفر از دانشجویان بسربازی فرستاده شده و پنج نفر هم توقیف شدند .

همانطور که اشاره کردیم موج تظاهرات و اعتصابات دانشگاههای کشور از بعد از تظاهرات علیه شرکت اتوبوسرانی ادامه دارد . در بسیاری از دانشکده‌ها دانشجویان برای آزادی رفقای زندانی خود دست به اعتصاب و تظاهرات زدند و حتی بنشان همبستگی از شرکت در امتحانات خودداری کردند . دانشجویان دانشگاه تهران همچنین بمنظور اعتراض به اجحافات رژیم و وابستگی آن به امپریالیسم امریکا و همکاری آن با صهیونیسم دست به اعتصاب زدند که دانشجویان دانشکده‌های فنی ، اقتصاد و پزشکی در آن شرکت کردند . تظاهرات مردم و دانشجویان علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و رژیم ارتجاعی شاه با عملیات قهرآمیزی ، عملیاتی که بطور روشن سازمانده‌ی شده و با برنامه و نقشه قبلی انجام شد ، همراه بود . از این عملیات میتوان سوزاندن شرکت هوائی اسرائیلی ال ـ آل و منفجر ساختن یک کشتی اسرائیلی در بندر شاهپور و مجبور کردن هواپیمای ایرانی بفرود آمدن در بغداد را میتوان نام برد . این عملیات نشاندهنده مرشد مبارزات مردم ماست . بدنبال تظاهرات اخیر دانشجوئی ، حسن نیک‌داودی فارغ التحصیل پلی تکنیک از سربازخانه‌ای که در آن بود بزندان قزل قلعه انتقال داده شد و در آنجا در زیر شکنجه‌های دژخیمان محمد رضا شاه جان سپرد . او قهرمانانه با قلبی مملو از مهر میهن و مردم مقاومت کرد .

مقاومت اوسیلی محکمی بگونه تسلیم طلبانی است که بجای مرفرمیسم و مداحی از رژیم گام نهاده‌اند .

دانشجویان شیراز همه تظاهرات وسیعی علیه رژیم دست زدند . پلیس در حدود ۴۰ تن از آنها را مجروح نمود که جراحات بعضی از آنها شدید است . تاکنون یکی از دانشجویان مجروح جان سپرده همچنین ۱۴ دانشجو از زندانی و ۴۰ تن از آنان را تبعید نموده‌اند . در دانشگاه پهلوی طی اعلامیه‌ای ۱۴ دانشجو را اخراج کرده است . در جریان مبارزات اخیر ، روز ۲۲ اردیبهشت که روز معلم است در برخی شهرها تبدیل بروز یاد بود از خاطره معلم شهید دکتر خانعلی شد . در میان دانشجویان دستگیر شده نام احمد کرویی دانشجوی اقتصاد و احمد صوری کاشانی دانشجوی فیزیک نیز در آنها است .

مبارزین میهن پرست دیگری نیز اکنون مورد خشم جلاد ایران قرار گرفته‌اند و در زندان میباشند . از آنجمله دکتر حشمتی ، مهندس نمازی ، رسولی و فرزین مخبر از حزب ملت ایران . آقای داریوش فروهر رهبر این حزب که در زندان به مبارزه ادامه داده ، مورد ضربت جلادان حکومتی قرار گرفته است . هم چنین یک قاضی دادگستری از شاهی زیر شکنجه کور شده است و مدیر کتاب فروشی فرخی تحت شکنجه قرار گرفته و پس از آزادی از فروش کتاب محروم شده است . بیتراز ، نویسنده و شاعر طی اعلامیه ای به دستگیری فریدون تنکابنی نویسنده کتاب " یاد داشتهای یک شهر شلوغ " اعتراض کرده‌اند .

مبارزات کارگران نیز در چند ماه اخیر توسعه چشمگیری داشته است . کارگران نفت در آبادان ، نساجی در یزد و اصفهان و کارخانه‌های متعددی در تهران دست باعتصاب زده‌اند .

دانشجویان مبارز ایرانی در خارج از کشور نیز تحت رهبری کنفدراسیون به پشتیبانی از مبارزات دلاورانه خلق و دفاع از میهن پرستان زندانی پرداختند . چند ماه پیش دانشجویان ایرانی در ترکیه بتظاهرات در مقابل کنسولگری ایران در استانبول دست زدند و اخیراً دانشجویان ایرانی در کالیفرنیا به اشغال کنسولگری ایران در سانفرانسیسکو پرداختند . ۴۱۰ تن از دانشجویان مبارز ایرانی در امریکا اکنون پس از آزادی موقت از زندان تحت تعقیب " قانونی " میباشند . یکی از دانشجویان ایرانی در استانبول بنام قربان شیر محمدی هنگام بازگشت به کشور در مرز بازرگان دستگیر شده است .

مبارزات اخیر مردم میهن پرست و زحمتکش نشانه هند چیست؟

در شرایطی که مبارزات خلقهای جهان و خلقهای خاورمیانه شکوفان میشوند و به پیروزیهائی نزدیک میگردند ، اوج گیری مبارزات مردم زحمتکش ما امید بخش است . هر موجی که برمیخیزد علی رغم تلفات مبارزان بیشتری را آبدیده میکند . صفوف خلق فشرده‌تر شده و یک قدم به پیروزیهائی نزدیکتر میشود .

مبارزات اخیر مردم ، علی رغم تبلیغات دروغین رژیم نشان داده که فضای خلق یا ضد خلق در کشور ما حاد شده و آگاهی سیاسی توده‌های مردم افزایش یافته است . نشان داده که مردم حاضر به مبارزه برای سرنگونی رژیم هستند . نشان داده که چند صد هزار سرباز ، ژاندارم ، پلیس و مأمور سازمان امنیت که بمنظور سرکوبی مردم و اعمال تحریکات در خاورمیانه و بخصوص منطقه خلیج تاد ندان مسلح گردیده‌اند نمیتوانند زنجیر اسارت را بر مردم تحمیل کنند . امواج طغیان در هر گوشه و کنار کشور بلند است . از این امواج همهمه‌های بلند تری برخواهد خاست که بالاخره به تسلط امپریالیسم و ارتجاع پایان خواهد داد . امروز تنها ارتجاعیون خائن از " ترقی " و " دمکراسی " ، " بهروزی مردم " و " همبستگی شاه و مردم " سخن میگویند . حال آنکه این مسردم با شاه جلاد هیچ گونه همبستگی ندارند . " ثبات کشور دیگر افسانه ایست که حتی خوشباوران را هم نمیفریبد . تنها مشتی منافق و تفرقه‌اند از باقی مانده‌اند که بمنظور ایجاد سردرگمی جنبش رلفاقه‌های گوناگون صحبت از رکود جنبش میکنند . آنها انواع " تئوریها " را بهم میبافند تا روز را شب جلوه دهند . رویزیونیستهای کمیته مرکزی در صدد این دشمنان خلق قرار دارند آنها با اعاصحیت از " فقدان وضع انقلابی " میگویند و با بیشرمی

ـ بقیه در صفحه سوم

طبق آخرین اطلاعات از ایران :

★ آقای کرسیوز برومند عضو مبارز سابق سازمان دانشجویان رم دستگیر و زندانی شده است

خبر دیگر حاکی است که آقای سیامک راستین در حین خدمت سربازی بجرم " تحریک " دستگیر و زندانی شده است . از سرنوشت این دو فرد مبارز اطلاعی در دست نیست .

★ در جریان مبارزات دانشجویان شیراز ، یک دختر دانشجو که پلیس به شکم او سرنیزه فرو کرده بود ، بقتل رسیده است .

★ وادادن پارسانژاد و نیکخواه هیچگونه تاثیری در روحیه مبارزان میهنپرست نگذاشته است و مبارزه آنها با وسعت و شدت بیشتری ادامه دارد .

★ دستگاه پلیسی شاه اخیراً یک دانشجوی مبارز را در کردستان تیر باران کرده است .

★ کلیه معلمان کرد مهاباد باستثنای یکنفر ، از محل کار خود منتقل شده اند .

★ چند سپاهی دانش باتهام تشکیل گروههای چریکی در دهات دستگیر شده‌اند . از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست .

★ طبق خبر موثقی از ایران جریان کشته شدن دو نفر مبارز در شکنجه گاههای رژیم بدست ما رسیده ، نام این شهدا در خبر نبود ولی بنظر میرسد که همان تحصیل شهادت آیت الله سعیدی و میهن پرست داودی باشد .

شهید اول ـ جوانی بود کامسال پلی تکنیک را باتمام رسانده و بعد از تظاهرات اخیر بزندان افکنده شده بود زندان در اثر شکنجه بقتل رسید . دست و پای او را بقدری در سیاه چالهای رژیم کشیده بودند که ستون فقرات او شکسته شده بود . خانواده او بعد از یک ماه از چگونگی وضع پسرشان باخبر میشود و بوسائل مختلف سعی میکنند او را به بیمارستانی انتقال دهند . ولی از طرف سازمان امنیت مخالفت میشود و گفته میشود که در زندان هم میتوان او را معالجه نمود . اما بعد او را بدون معالجه رها میکنند و بدین ترتیب بقتل میرسانند .

شهید دوم ـ مجتهدی است که در زندان بهنگام شکنجه شعارهای مبارزه جویانه میداده و مردم را به مبارزه علیه حکومت جبار محمد رضا شاهی دعوت مینموده است . سازمان امنیتیها دهان او را پر از پارچه و دستمال مینمایند بطوریکه نمیتواند فریاد بکشد و زندانیان دیگر صدای او را بشنوند سپس او را با زنجیر و ترکه کتک میزنند . در اثر این ضربات خونریزی داخلی شروع میشود و چون دهان او بسته بود در دهان ماند بدون اینکه از دهان یا جای دیگر خون بیرون آید جان میدهد .

www.iran-archive.com

اندیشه مائوتسه دون ستاره سرخ راهنمای ماست

طرد و انتقاد تسلیم طلبی

بعد از تسلیم طلبی در نفر انقلابی نما، جنبش انتقاد و طرد توده‌ای در همه جا بپا خاست. سازمانها و نیروهای انقلابی و دمکراتیک، توده‌های دانشجوی خارج کشور، توده‌های مردم در ایران با نفرت و کین این تسلیم طلبی را محکوم کردند.

شیوه طرد تسلیم طلبی و رفرمیسم در جاهای مختلف فرق میکرد. در ایران سه جوان مبارز را مجبور کردن هواپیمای ایرانی به فرود آمدن در بغداد و مصاحبه مرادیوئی پس از آن اعلام کردند که این عمل را با خاطر مبارزه با تسلیم طلبی و نفرت و تبلیغات رژیم در این باره انجام داده‌اند.

در امریکا ۴۱ دانشجوی ایرانی طی تظاهراتی که برزد و خورد شدید انجامید جنبش مبارزه با رژیم و طرد روحیه تسلیم طلبی و رفرمیسم را بوجود آوردند.

دانشجویان خارج کشور با نوشتن مقالات، برپا داشتن جلسات بحث و انتقاد و غیره از یک سو مبارزه خود را علیه رژیم گسترش دادند و از سوی دیگر با طرد و انتقاد تسلیم طلبی و رفرمیسم و روحیه مبارزه جویانه خود را تقویت کردند.

در جریان طرد و انتقاد تسلیم طلبی، از جانب بعضی گروهها مستقیم یا غیر مستقیم بسازمان ما و ایدئولوژی ما دون حمله شده و بعضی وقایع تاریخی نیز بشیوه نادرستی عرضه شده است. بنظر ما در شرایط فعلی برخورد با این مسائل بطور مشخص بزیان جنبش طرد و انتقاد تسلیم طلبی است. ولی در عین حال لازم است اعلام کنیم که شیوه صحیح انقلابی این نیست که در میان دعوا نرخ طی شود. در این جنبش باید در درجه اول مبارزات قهرمانانه مردم مورد پشتیبانی قرار گیرد و در عین حال تسلیم طلبی و رفرمیسم مورد حمله قرار گیرد. در این جریان باید جنبش پشتیبانی وسیع و فعال از مبارزه مردم در ایران و دفاع از زندانیان سیاسی را هرچه بیشتر دامن زد.

در درون سازمان ما نیز مبارزه ایدئولوژیک وسیعی برای طرد و انتقاد تسلیم طلبی و رفرمیسم و استحکام مواضع ایدئولوژیک پرولتری آغاز شد. ما در زیر قسمت هائی از نامه‌ها و برخوردهای رفقای سازمان را بطور نمونه درج میکنیم.

از خوانندگان انقلابی خود خواستاریم که در این جنبش فعالیت کنند و با فرستادن نامه‌ها و مقالات در طرد و انتقاد تسلیم طلبی و رفرمیسم شرکت جویند.

از ایران: " ... موقعیکه این مردم و این زندگی را میبینی، اگر هزاران نفر امثال پارسانژاد و همپالکی او بوسیله بزرگ کردن رژیم قرار گیرند و دستگاه تبلیغاتی هم درباره بهبود زندگی روستائیان در ریوق و کرنای خود بدمد تازه بهتر و بیشتر با پوست و استخوان خود شرلمس میکنی که تا چه اندازه مزخرف میگویند ... "

نامه دیگر از رفقای ایران: " ... رفقا همگی اظهار نفرت و انزجار میکنند ... این برخورد از جانب همه مایه عنوان خیانت تلقی میشود ... اما برخورد رفقا همگی خوب است و این امر خللی در اراده آنها وارد نکرده است، بلکه بر عکس ..... فقط در ایرانیک است که افراد محک میخورند و اهمیت و ارزش واقعی خود را نشان میدهند. بهمین دلیل باید متهورانه در ایرانیک شرکت جوییم و از این پیشامدها خللی بخود راه ندهیم .... مبارزات دفاعی کشده است نه تنها بیفایده نیست بلکه ثمربخش است. در مجموع افراد و موضعگیریهای خوب در جنبش غالب است، بد فرعی است. بنابراین باید با افزایش مبارزه این مساله را جبران کرد. باید بخصوص روی پیروزیهائی که مبارزات خارج کشور در دفاع از زندانیان و نجات آنان داشته است تاکید کنیم ....."

رفیق ف. مینویسد: " یکی از تزهای مهمی که توسط خروشچف مطرح شده بود عبارت بود از " پس از مرگ دیگر انقلاب بچه درد میخورد " . در ماهیت این تز رویزیونیستی ترس از سختیها و مرگ و خدمت به توده‌ها نهفته است. مرز بین کمونیستها و رویزیونیستها را موضعگیری نسبت باین تز مشخص مینماید. کسانی که زندگی بودن بهر قیمت را بر مرگ ترجیح میدهند و حاضرند با خیانت بامر خلق زندگی بمانند، نفرت عمیق توده‌های سراسر جهان را برای خود میخرند. پارسانژاد نیز یکی از این افراد است. او در هنگامیکه مبارزه بین دو مشی بحادترین مرحله خود رسیده بود از انقلاب و توده‌های مردم بنفع چند انقلاب و ارتجاع چشم پوشید. او برای اینکه بتواند چند صباحی بیشتر زندگی کند، در واقع مرا تند بشه خود را بر اندیشه بخلق ترجیح داد ... بنظر من او نمونه منفی در جنبش نوین کمونیستی کشور ماست که باید از آن بیاموزیم.

— ما باید بیاموزیم که هراسیدن از مرگ در امر خدمت بخلق سرانجامی جز پیوستن بارتجاع نداشته و با نفرت عمیق توده‌ها مواجه خواهد شد حال آنکه خدمت از جان و دل بخلق یعنی تماما و کمالا بخلق پیوستن ارزشمند بوده، در جهت منافع خلق است. رفیق مائوتسه دون بما میآموزد " تنها با چنین روحیه است (روحیه تماما و کمالا در خدمت خلق بودن) که میتوان انسان مفید و سودمند بحال خلق بود. "

— ما باید بیاموزیم که بجای طرز تفکر خروشچفی اندیشه خود اندیشه به توده‌های مردم، بخلق و زحمتکشان را جایگزین سازیم و با محکوم کردن و طرد تفکر اولیست که خواهیم توانست به توده‌ها و سازمان خدمت کنیم.

— ما باید بیاموزیم که اثرات رویزیونیسم خروشچف هنوز از بین نرفته و مبارزه طبقاتی حاد برای از بین بردن آن لازم است. ما حتما خواهیم توانست آنرا طرد کنیم و بجای آن اندیشه صد رمائو رهبر انقلاب را جایگزین سازیم.

— ما باید بیاموزیم که در مقابل ارتجاع و امپریالیسم باید سیاست مشت در مقابل مشت را بکار بریم و در غیر اینصورت قدم گذاشتن بعرصه ارتجاع بمثابه فرو رفتن تا انتها در آن است.

— ما باید بیاموزیم که سیاست ادغام منافع شخصی با منافع عمومی، جز پیوستن با روحیه ارتجاعی و رویزیونیستی چیز دیگری در بر نخواهد داشت. حال آنکه سیاست ما باید تابعی منافع مخصوص بنفع منافع عمومی باشد.

— ما باید موضعگیری قاطع نسبت باین امر نمائیم و با شرکت در پروسه مبارزه عملی و نشاندن آن روحیه مبارزه جویانه بجای این کهنه را بر کرده‌ها مرید را با مرنیک تبدیل سازیم.

رفقای یک حوزه مینویسند: " .... ما معتقدیم پدید آوردن جدائی از دید ما انحلال طلبی نیست. هر روز صف بندی دقیقتری بین خلق و ضد خلق انجام میگیرد و رژیم مرتب برای سرکوب خلق بسیاستهای مختلفی دست میزند ..... اگر بخوبی گفته‌های پارسانژاد و نیک خواه را در نظر بگیریم اولی پرچم صنعتی شدن و گذار از نیمه فئودالی را بلند کرد و دومی پرچم " استقلال ملی " را، البته هر دوی این پرچمها بر فرمیسم ختم میشوند. ما معتقدیم این مدافعین شاه در صف ضد خلق قرار دارند ... "

رفیق هـ. مینویسد: " ... بقول رفیق مائوتسه دون، اشخاصی هستند که از لحاظ تشکیلاتی بحزب میپیوندند و اشخاصی هم هستند که از نظر ایدئولوژیک. بنظر من پارسانژاد فقط از نظر تشکیلاتی بسازمان انقلابی پیوسته بود نه از نظر ایدئولوژیک. زیرا در غیر اینصورت هرگز در مقابل رژیم تسلیم نمیشد و بصف دشمنان خلق نمیپیوست. رفیق! ما بپیروی از معلمان رفیق مائو مبارزه را با آخر ادامه خواهیم داد. ما تعهد کرده‌ایم که ایران وطن عزیزمان را از وجود خائنان و جنایتکاران پاک کنیم ... همگی دست در دست برای پیروزی انقلاب پیش خواهیم رفت. مرگ را با جان و دل و بخاطر منافع طبقات رنجبر و زحمتکش ایران خواهیم خرید. باگرمترین سلامهای کمونیستی. زنده باد هدف و راه سازمان انقلابی. زنده باد مارکسیسم — لنینیسم — اندیشه مائوتسه دون. عمر جاودان بر رفیق مائو، رهبر انقلاب عصر کنونی. "

رفیق ک. مینویسد: " ..... رفقا من میخواستم نظرات خودم را با چند جمله درباره وداد گان و خائنین به پرولتاریا و تمام توده‌های خلق و در تحلیل نهائی دشمنان اندیشه صدر مائو ابراز دارم. در رابطه با این امر بهتر دیدم که زندگی رفیق مائوتسه دون نظری بیافکنم و از این نابغه عالم بشریت بیاموزم. در سی که میخواهم از زندگی رفیق مائو بیاموزم درست از لحظاتی است که حزب کمونیست چین در چار شکست میشد. رفیق مائوتسه دون در هر شکستی دارای آنچنان روحیه بلند و تسخیرناپذیری بود که در اندک مدتی قادر میشد نیروهای خلق را بعنوان رهبر متشکل نموده و دشمن را از پای در آورد. روحیه بلند و تسخیرناپذیر انسان در یک جامعه طبقاتی از کجا میآید؟ روحیه تسخیرناپذیر و بلند انسان از عشق واقعی به توده‌ها حاصل میشود. عشق به توده‌ها آنچنان منطقیست که هیچ نیروئی قادر بشکستن آن نیست. اگر انسان بمعنی واقعی بتوده‌ها عشق بورزد آنگاه واقعا دشمنان خلق نفرت خواهد داشت. اگر انسان کس چشمهایش را ببندد و بمردم و خلقهای رنجدیده فکر کند و با تجسم رنجهای آنان بگریه بیفتد و وقتی که چشمهایش باز میکند با خود عهد بکند که تمام سلولهایش را در راه نابودی دشمنان خلق بکار میاندازد و اگر انسان ستمی که بمردم رنجدیده وارد میشود آنچنان احساس کند مثل اینکه با پوست و گوشت و استخوان خود لمس میکند و بطور خلاصه دارای آنچنان شور طبقاتی باشد که همه چیز را فدای آن بکند، آنموقع است که او در ارادهای تسخیرناپذیر است، و هیچ وقت و انخواهد داد. آنموقع است که او به پرولتاریا و تمام خلقهای ستمکش وفادار خواهد ماند. نهراسیدن از مرگ موقعی برای ما میسر است که مبارزه را بخاطر عشق بتوده‌ها شروع کنیم، نه بخاطر منطقی که قبول کرده‌ایم. این تاریخ جهان است و تاریخ مبارزات طبقاتی. کسانی که بمعنی واقعی بتوده‌ها عشق میورزند ولی آگاهی تئوریک چندانی ندارند و امید هند و تا آخرین لحظه باقی میمانند و از عقاید خود یعنی از خواست مردم رنجدیده دفاع میکنند. ولی کسانی که خود را مغز کل در " تئوری " میدانند ولی عشق بتوده‌ها را بمعنی واقعی ندارند، بلکه همیشه باین امر تظاهر میکنند و امید هند و بصفوف دشمن میپیوندند ... توده‌ها و ما از آنها بخاطر آن دفاع میکردیم که آنها خود شان را بعنوان خادم خلق معرفی کرده بودند و بمحض اینکه پارا از گلیم خلق خارج کردند، نه تنها از طرف تمام کمونیستها طرد شدند، بلکه تمام توده‌ها آنها را برای ابد طرد کردند و جایگاهی در زباله دان تاریخ برای آنان درست نمودند. مرگ و ننگ ابدی از آن کسانی است که برخلاف سیر تکامل تاریخ حرکت میکنند. تاریخ مبارزات جهان از این نوع اشخاص زیاد دیده ولی مرتجعین هرقدر که باشند در مقابل خلق حکم قطره‌ای در مقابل اقیانوس را دارند. خلقهای جهان با ریختن فضولات خود بخارج جابکتر، رزمنده‌تر، مصمم‌تر، متحد‌تر و با محتوی بیشتر مبارزه خود ادامه میدهند. مبارزات خلقهای هند و چین و سایر خلقهای جهان شاهد اینست. سازمان ما نیز رزمنده‌تر از همیشه با تکیه بتوده‌ها، پرچم سرخ اندیشه مائوتسه دون را به پیش میبرد. این پرچم با خون کمونیستهای ایران گلگون‌تر خواهد شد. سازمان ما و تمام خلقهای ایران در آینده نزدیک نشان خواهد داد که اندیشه مائوتسه دون شکست ناپذیر است و انسانهای مسلح بآن حتما با شیوه زندگی و رزیدن بتوده‌ها ستونهای لرزان حکومت شاه و تمام مرتجعین را با تکیه بنیروی لایزال توده‌های دهقان برهبری کارگران فرو خواهند ریخت. ... زنده باد اندیشه ظفرمند مائوتسه دون. زنده باد پرچم سرخ سازمان انقلابی پیروزباد راه محاصره شهرها از طریق دهات. "

رفیق ر. مینویسد: " ... پارسانژاد بعلت اینکه نتوانست از نظر ایدئولوژیکی در موضع پرولتاریا قرار بگیرد و بعلت اینکه منشا غیرپرولتری نیز داشت، نتوانست در برابر مشکلات مقاومت کند و دست بارتداد و خیانت بمنافع خلقهای ایران زد. این باید برای کلیه انقلابیون و بخصوص روشنفکران انقلابی درسی بزرگ باشد. روشنفکران انقلابی باید از طریق شرکت فعال در مبارزه انقلابی توده‌ای، معایب خود را برطرف سازند و آنچنان کیفیتی ایجاد کنند که بتوانند در مقابله با سختیها و مشکلات از قربانی و مرگ نهراسیده و انقلاب را قدم بقدم پیش برند .... تاریخ مبارزات پرولتاریای ایران مملو است از پیروزیها، از قهرمانیها و فداکاریهای کمونیستهای صادق و انقلابیون و فداییان آرمانهای جنبش کمونیستی ایران. هر آن احتمال دارد که رفیق شهید شود یا بدام دشمن بیفتد. قدر مسلم اینست که بجای او دهان دیگر پر میخیزند و پرچم سرخ مبارزات انقلابی خلقهای ایران را برافراشته تر نگه میدارند ... "

رفیق د. مینویسد: " ... نظر من اینست که اگر تمام دنیا هم ابری شود باز آفتاب حقیقت عالی کمونیسم جلوه خواهد کرد. هیچ نیروئی در جهان قادر نیست اراده متزلزل ناپذیر ما را برای انقلاب کردن در ایران، تا پایان و یا گذاشتن جان خود در این راه در هم شکند و یا در آن حتی برای یک لحظه ذره‌ای سستی وارد سازد. هرقدر عناصر سست بیشتر از خود تزلزل نشان دهند، زودتر بروند، پرچم سفیدی را که در انبان مارکسیسم قلابی خود پنهان کرده‌اند زودتر برافرازند. بهمان نسبت بهتر صفوف ما پاک خواهد شد، وحدت ما فشرده‌تر و عزم ما راسختر برای پیشروی در راهی که با خون شهدای خلق گلگون گشته است، خواهد گردید. مرگ بر نفرت بر تسلیم طلبان. تعهد میکنم که تا پای جان در راه آرمانهای والای سازمانی خدمت کنم. تعهد میکنم که وظائف هرچه سختری را بعهده میگیرم. تعهد میکنم بسیم و هیچگاه تسلیم دشمنان خلق و کمونیسم نشوم. زنده باد سازمان انقلابی ما. زنده باد کمونیسم. زنده باد آموزگار و رهبر کبیر ما رفیق مائوتسه دون. با سلامهای گرم کمونیستی. "

رفقا و دوستان عزیز!

با ایجاد جنبش توده‌ای انتقاد و طرد تسلیم طلبی و رفرمیسم گسترش مبارزات دفاعی و وسیع هرچه بیشتر دانشجویان برای شرکت فعال در این جنبشها، همبستگی خود را با مبارزات توده‌های خلق در ایران فشرده‌تر کنیم. ■

مبارزات دانشجویان تهران

نامه‌ای تحت عنوان " جنبشهای دانشجوئی (دانشگاه صنعتی آریامهر) " بهمراه چند اعلامیه از ایران، توسط دوستی برای ما فرستاده شده است. در اینجا قسمتهائی از این نامه را درج میکنیم. از دوست انقلابی خود تشکر میکنیم و امیدواریم در آینده نیز، با سرعت و تفصیل ما را در جریان اخباری که بدستشان میرسد بگذارند.

" جنبش دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر امسال چشمگیر بود. اعتراضات از وضع داخلی دانشگاه شروع شد ولی پس از دخالت مأموران سازمان امنیت به موضوعهای سیاسی کشیده شد. امسال برای اینکه دانشجو تمام فکرش بدرس باشد، نقشه‌های تازه‌ای ریخته‌اند. دانشجویان تقریبا هر هفته امتحان داشتند یا تکالیف زیادی برعهده‌شان بود. پس از یکماه بدانشجویان فشار زیادی وارد شد و آنها دیگر وقت رسیدن بکارهای غیردرسی را نداشتند و آنها که در حین تحصیل کار میکردند دچار زحمت شدند. بدین ترتیب موج اعتراض شروع شد. پس از یکسری اعتراضات بصورت عدم حضور در جلسه امتحان، اولیای امور قول دادند که وضع را درست کنند. ولی پس از مدتی بدست فراموشی سپرده شد. در اواسط ترم اول، دانشگاه گفت دانشجویان نماینده انتخاب کنند. و شرایطش را هم البته همه میدانیم (معدل خوب و نداشتن سابقه سیاسی و ...) با این حال دانشجویان تا آنجا که توانستند نماینده واقعی خود را انتخاب کردند ولی همه میدانستند که مدت نمایندگی یکماه بیشتر نخواهد بود. دانشجویان توسط این نمایندگان خود تقاضای ترم تابستانی کردند و با آماری که داشتند روشن میشد که دانشگاه صنعتی از همه دانشگاههائی که دارای ترم تابستانی هستند، دارای امکانات بیشتری میباشد. دانشگاه با ایجاد ترم تابستانی مخالفت نمود تا آنکه دانشجویان دانشگاه برق دست باعتصاب زدند. کم کم دامنه آن بچند دانشکده دیگر کشید. در این موقع مطابق انتظار از یکطرف سازمان امنیت وارد میدان شد و با تهدید نمایندگان از طرف دیگر روسای دانشکده‌ها منجمله رئیس دانشکده مکانیک با وعده و وعید قلابی و راضی کردن نمایندگان دانشجویان مکانیک، باعث شکستن اعتصاب شدند. حالا ترم تابستانی بطور ناقص گذاشته شده، بدین ترتیب موضوع ترم فراموش میشود ولی مسأله دخالت سازمان امنیت ورد زبانها بود و همه جا موضوع بحث بود. این باعث نفرت بیش از پیش دانشجویان از سازمان امنیت و مأموران آن در دانشگاه بود.

در این جریان بعضی چهره‌ها نیز البته شناخته شد. روی همرفته امسال افکار دانشجویان روشنتر و بدتر آنها از وقایع سیاسی عمیقتر شده بود.

یکماه بعد از ترم دوم، شرکت واحد بلیطها را گران کرد. ابتدا موج اعتراض مردم با اعلامیه‌ها شروع شد و چون ترتیب اثر داده نشد دانشجویان دانشگاه تهران دست بتظاهرات زدند. فردای آنروز دانشجویان دانشکده صنعتی در داخل دانشگاه بتظاهرات پرداختند. در این هنگام پلیس بدانشجویان حمله کرد. یک دختر را مضروب نمود. این باعث غضب دانشجویان شد و شدت تظاهرات افزوده شد. شعارها از این قرار بود:

شرکت واحد دزده! پلیس حامی دزده!

دولت باید بداند ملت هنوز بیدار است!

تا مرگ دیکتاتورها نهضت ادامه دارد!

مزدور بروگم شو!

تا ساعت ۵ بعد از ظهر تظاهرات ادامه داشت. مقارن ساعات بازگشت کارگران از کارخانه‌های جاده کرج بر شدت تظاهرات افزوده شد. دانشجویان با شعارهائی مانند " زحمتکشان بدانید شرکت واحد دزده! " و " کارگر دانشجو! " و " کارگران اعتصاب! " از کارگران استقبال کردند و آنها نیز با دست همبستگی خود را با دانشجویان ابراز نمودند.

فردای آنروز دستگاه چون دید وضع خراب است دستور داد دانشگاه را تعطیل کند. روز بعد دوباره دانشگاه را واندارمها محاصره کردند و از ورود دانشجویان جلوگیری نمودند در نتیجه دست بتظاهرات خیابانی زدند. در این موقع پلیس بآنها حمله کرد و دانشجویان پراکنده شدند، بعد از مدتی دوباره جمع شدند و براه ادامه دادند. و این عمل همین طور ادامه داشت و دانشجویان و مردم از حرکت اتوبوسها جلوگیری میکردند و شیشه‌های آنرا خرد مینمودند. روز بعد نرخ بلیطها پائین آمد. دانشگاه یکهفته تعطیل

بقیه در صفحه سوم

به خلق خدمت کنیم

www.iran-archive.com

قهرمانان واقعی توده‌ها هستند

ژوئن، مصادف با پنجمین سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه در منطقه ظفار بود. بمناسبت این روز، میتینگهائی از جمله در عدن پایتخت جمهوری یمن جنوبی برگزار شد. مبارزه مسلحانه خلقهای ظفار، با یک نیروی مسلح مرکب از ۳۷ نفر که فقط ۹ تفنگ داشتند شروع شد. ولی فقط طی سال اول مبارزه بیاله نیروی چند صد نفری مجهز رشد یافت. طی پنج سال گذشته بیش از ۳۰۰۰ تن از ارتش استعماری انگلیس و مزدوران آن کشته یا زخمی شده‌اند.

رشد مبارزه مسلحانه و پیروزیهای یکی پس از دیگر آن بار دیگر نشان میدهد که یک ملت هرچند کوچک و ضعیف باشد، میتواند بر نیروهای امپریالیستی که تا دندان مسلح است فایق آید. بشرطیکه جرات کند دست بمبارزه بزند.

محمد احمد غسانی یکی از پایه‌گزاران مبارزه مسلحانه و متشکیله اجرائیه فرماندهی کلیه جبهه‌های آزادیبخش خلیج عربی اشغال شده" در مصاحبه خود با خبرنگار "سین‌خوا" دست آوردهای درخشان مبارزه مسلحانه خلق ظفار را شرح داده چنین گفت: "مطابق با تجربه انقلاب چین تحت رهبری پیشوای کبیر صدر مائو، "جبهه توده‌ای" سیاست اتکاء به نیروی خود، تکیه به توده‌ها و بسیج مردم زحمتکش برای انجام جنگ خلق در ازمدت و محاصره شهرها از طریق روستا و همچنین گسترش انقلاب را بسراسر خلیج عربی، برای شکست دادن و بیرون ریختن استعمارگران انگلیسی در پیش گرفته است."

وی افزود: "بعد از دومین کنگره "جبهه توده‌ای" در اول سپتامبر ۶۸، اوضاع نظامی در منطقه ظفار روز بروز بهتر شده است. ارتش آزادیبخش در نبردها تقویت شده است، میلیس سازمانده‌ی شده، تمام بخش غربی، بیشتر بخش شرقی و قسمت وسیع روستا در بخش مرکزی ظفار آزاد شده است، حال ارتش توده‌ای تحت رهبری "جبهه توده‌ای" بیش از ۹۰ در صد روستای ظفار را آزاد کرده است."

محمد غسانی گفت" استعمارگران دیگر نمیتوانند شعله‌های انقلاب ۹ ژوئن را خاموش کنند، زیرا ما دارای سلاح افکار مائوئیستیم. این حقیقت بزرگ که "نیروی سیاسی از لوله تفنگ برمیخیزد" در قلب خلق ما ریشه دوانیده است. مردم خلیج عربی بدروغهای "راه پارلمانی" و "گذار مسالمت آمیز" اعتماد ندارند. با ورتزلزل ناپذیر ما اینست که قهر ضد انقلابی فقط با قهر انقلابی توده‌ها نابود میشود. استقلال میهن فقط از طریق لوله تفنگ بدست میآید و آزادی توده‌ها فقط از راه نبردهای خونین تأمین میگردد."

همه جنگجویان ارتش توده‌ای یک نسخه از "نقل قول هائی از آثار صدر مائو" را بهمراه دارند. آنها آثار دیگر ترین، راهپیمائی‌های مختلف و در فواصل نبردها مطالعه میکنند. حقیقت بزرگ افکار مائو، جنگجویان ارتش توده‌ای را به نیروی شکست ناپذیری تبدیل ساخته است. آنها در زندگی روزانه و در نبردها بطور مشخص از آن الهام میگیرند. در جریان نبردها بویژه در دوران سخت، جنگجویان نقل قولهای رفیق مائوتسه دون را درباره قهرمانی انقلابی برای تقویت روحیه یکدیگر میخوانند. یک جنگجو که بسختی مجروح شده بود در آخرین دقیقه زندگیش این جمله رفیق مائو را که به کلمه تکرار کرد" عزم راسخ داشته باشیم. از سختیها و مرگ نهراسیم و بر همه مشکلات فایق آئیم تا پیروزی بدست آوریم."

داستان زیر یکی از وقایعی است که در جریان جنگ آزادیبخش روی داده است.

یکی از روزهای سپتامبر ۶۸ بود. "حسیما" یک پارتیزان ارتش توده‌ای در منطقه ظفار با اتفاق برادرش که متعلق به میلیس توده‌ای بود پس از انجام یک ماموریت موفقیت آمیز در کوهستان "جغزوة" بخانه برمیگشتند. آنها در راه با یک واحد گشتی دشمن برخوردند. دشمن با توجه بتعداد نفرات خود تصمیم گرفت این دو برادر را زنده دستگیر کند. حسیما با روحیه‌ای سرشار از قهر اسیدن از مرگ ببرادرش گفت" تسلیم باستعمار بمعنی فروختن روح خود و انقلاب خلیج عربی است. اگر ما بخاطر مرد بمیریم این مرگ باارزش است. ما افتخار آمیز خواهیم مرد و هیچگاه باستعمار تسلیم نخواهیم شد." سپس حسیما ببرادرش دستور داد که حلقه محاصره را بشکند و بفرماندهی خبر بدهد و خودش پشت یک تل خاک پناه گرفت، برای اینکه توجه دشمن را بسوی خود جلب کند با شدت تمام بوسیله مسلسل دستی خود به آنها آتش کرد. پس از چند دقیقه نبرد حسیمای زیرک ناگهان شلیک را متوقف کرد. دشمن احمق خیال کرد که او کشته شده است و بسوی او پیشروی کرد. وقتیکه آنها تقریبا به ۲۰ متری او رسیدند حسیما با شجاعت و قهرمانی تمام ناگهان از جا جست و دشمن را بر گبار گلوله بست.

دو افسر انگلیسی و ۶ مزدور پیش پای او بزمین افتادند.

ارتش آزادیبخش و میلیس توده‌ای پس از دریافت خبر از برادر حسیما، بلافاصله بسوی کوهستان "جغزوة" حرکت کرد و طی نیم ساعت نبرد شدید تمام واحد دشمن را نابود کرد و قبیله نبرد پیروزمندانه بپایان رسید. همزمان حسیما دیدند که او جان خود را در راه خلق فدا کرده است. قطعات مسلسل در میان او در اطراف پراکنده بود. حسیمای قهرمان در آخرین دقیقه زندگی، سلاحش را برای اینکه بدست دشمن نیفتد، از بین برده بود.

همزمان با چشمانی پر از اشک دورجسد ش حلقه زدند. رهبر سیاسی کتاب "نقل قولهائی از آثار صدر مائوتسه دون" را بدست گرفت و برایشان چنین خواند: "هزاران هزار شهید جان خود را در راه منافع خلق فدا کرده‌اند. بگذار در رفتن آنها را برافرازیم و در راه عبیکه با خون آنان گلگون شده است پیش برویم."

و این بانگ روشن در دره های باشکوه ظفار طنین انداخت.....

بقیه مبارزات دانشجویان ...

بود و قریب ۱۲۰۰ دانشجو توسط پلیس بازداشت شدند که ۴۰ نفر از دانشگاه صنعتی بودند. دانشجویان تهدید کردند تا رفقایشان را آزاد نکنند از رفتن بکلاس خود داری میکنند ناچار دانشجویان باستثنای چند نفر آزاد شدند. دو هفته بعد از این واقعه دیگری اتفاق افتاد. یکی از قوانین مسخره دانشگاه بدین صورت بود که اگر دانشجوئی دو ترم متوالی معدل مسلسلش از ۱۰ کمتر باشد از دانشگاه اخراج خواهد شد. طبق این قانون ۱۲۰ نفر را باید از دانشگاه بیرون میکردند. چون اولیای دانشگاه دیدند وضع خراب است عده‌ای نیز با پارتی بازی این تعداد را به ۴۰ تقلیل دادند. و از اسفند سی آنها در ترم جدید خود داری کردند. در بین این ۴۰ نفر افرادی بودند که اتفاقا گرد خوبی بودند ولی بعلت وضع خراب خانوادگی بزحمت درس میخواندند. و معدل آنها ۹/۷۵ بود. باز باید تذکر داد که این نقشه در کنفرانس رامسر ریخته شد، تا بدین ترتیب دانشگاه را تبدیل به مکتبخانه بکنند و دیگر دانشجو فرصت فعالیتهای اجتماعی را نداشته باشد. اعتراض دانشجویان شروع شد و از شرکت در کلاسها خود داری کردند. این اعتصاب ادامه داشت تا تعطیلات عید. و اخراج شدگان ۵ نفر از دانشجویان اخراجی را سازمان امنیت گرفت بدینترتیب که مأمورین با پاسبان داخل خانه دانشجو میریزند و میگویند تو یک دختر متلک گفته‌ای باید بیائی کلانتری و از آنجا هم او را با داره نظام وظیفه عمومی برد و از آنجا بزاهدان میفرستند. طبق خبرهای بدست آمده با آنها مانند تبعیدیها رفتار کرده و همه در رجمسر بازی صفر هستند.

بعد از این تظاهرات و اعتصاب ادامه داشت. در این مدت از ورود دانشجویان اخراجی بدانشگاه جلوگیری میکردند و اطراف دانشگاه را و اندارمها محاصره کرده بودند.

پس از مدتی دانشجویان را از زاهدان برگرداندند ولی از دانشگاه اخراج نمودند و ۷ نفر از آنها را در زاهدان نگه داشتند. اسامی چند تن آنها از این قرار است:

خسرو پزشکی — فرهاد سمسار — شهریاری — عطائی ملک پور. پس از پایان اعتصاب وضع دانشجویان کاملا فرق کرده بود. در این مدت با حقایقی روبرو شده بودند که آنها را بیش از پیش با وضاع بد بین نمود. همه دانشجویان چهره کریه دستگاه را شناخته بودند دیگر از آن ببعد تقریبا هر هفته اعلامیه‌هائی از طرف دانشجویان یا جبهه‌های دیگر بر در و دیوار دانشگاه دیده میشد. در اوایل اردیبهشت اعلامیه‌هائی پخش شد که ورود سرمایه داران امریکائی را اطلاع میداد و هدفهای غارتگرانه آنها را روشن میکرد و همکاری دولت و دستگاه را با آنها شرح میداد. این اعلامیه‌ها را افرادی با فریاد زنده باد کارگر داخل کلاسها میریختند.

روزهای کنفرانس (۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت) عده‌ای از دانشجویان پیشرو دانشگاه صنعتی با همکاری دانشجویان دانشگاههای دیگر روز ۳۰ اردیبهشت جلو دانشگاه تهران بطور پراکنده جمع شدند و سپس شیشه‌های کانون ارتجاعی دانشجویان وابسته بانجمن ایران و امریکا را شکستند و از آنجا بانجمن ایران و امریکا در خیابان شیراز حمله کرده شیشه‌های آنجا را هم خرد نمودند. در همین موقع در خیابانها اعلامیه پخش میکردند. سه روز قبل از این واقعه ۳ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی را گرفته بودند که تا آن موقع کسی متوجه غیبت آنها نشده بود. تا با آنها از این قرار

نامه‌های خوانندگان

با انتشار دو شماره اول "ستاره سرخ" نامه‌هائی از خوانندگان، دوستان و رفقا بما رسیده است. ما میکوشیم این نامه‌ها را بخصوص آنجائیکه برخورد مشخص با مسائل میشود درج کنیم. در درجه اول انتظار داریم از ما انتقاد کنید. این بهترین شیوه است که بما میتوانید کمک کنید.

برخورد خوانندگان ما در رهنامه‌ها نسبت به "ستاره سرخ" مثبت بود و از آن بخوبی استقبال شده است. در این شماره بعلت تراکم مطالب نمیتوانیم به نامه‌های رسیده بطور مفصل پاسخ گوئیم ولی امیدواریم این کار را در شماره‌های آینده بکنیم.

عده‌ای از دوستان بعد از انتشار شماره اول چنین نوشته‌اند: "تا هنگامیکه مقاله استاره سرخ "چرا؟ برای که؟ و چگونه؟ را نخوانده بودیم از خود سئوال میکردیم بچرا؟ و چون جواب قانع کننده‌ای نمیافتیم با دیدی نادرست باین امر برخورد مینمودیم. اما پس از خواندن این مقاله اهمیت انتشار نشریه جدید برایمان روشن شده است. بهمین خاطر چاپ نشریه جدید را تبریک گفته و موفقیت شما را در خدمت بخلق و مبارزات مردم از طریق "ستاره سرخ" خواهانیم. ما کوشش خواهیم کرد تا آنجائیکه ممکن است همکاری وسیعی را با "ستاره سرخ" بنمائیم و انتقادات و نظرات خود را برایتان مرتب ارسال خواهیم کرد امیدواریم که با کمک شما انعکاس نظرات خود را در صفحات "ستاره سرخ" مشاهده نمائیم."

دوست دیگری مینویسد: "سعی کنید عکسهای جالب از مبارزات مردم، بویژه ایران چاپ کنید. حتی اگر از گذشته باشد. سعی کنید که عکسها نشاندهنده روح مبارزه جویانه مردم باشد نه مانند رویزیونیستها که قصابیهای امپریالیسم را نمایش میدهند. برای اینکار از همه تقاضای عکس کنید."

رفیق د. مینویسد" احساسات طبقاتی من نسبت بان این روزنامه غیرقابل توصیف است. "ستاره سرخ" از امر آزادی میلیونها میلیون انسان ستمکش و اسارت زده که مقاومت و مبارزشان یک آن قطع نمیشود، باید همینطور در دن تزلزل دفاع نماید. باید خود را در موضع آنها قرار دهد. همیشه فکر کنید دهقانان فقیر و کم زمین و کارگران، تحقیر شدگان و ستمدیدگان چه احساس و چه مانده‌ها و چه مواضعی دارند. هیأت تحریریه باید خود را در همه حال در آن موضع قرار دهد."

این رفیق پیشنهاداتی کرده است که مورد قبول ماست و خواهیم کوشید که آنها را بعمل درآوریم.

دوستی بنام "جواد" چند بین قطعه کوچک که بیشتر آنها افشا "مواضع اپورتونیستی "توفان" است ارسال داشته است در یکی از آنها چنین میخوانیم: "درباره مقاله تبانکاری و دمکراتیسم توفان" معتقد من توفان کمتر میخواهد توده متشکلاتی بان ایراد بگیرند مسأله مرکزیت را اینقدر مطلق میکند. در صورتیکه "توده" باین مسأله بطور همه جانبه رسیده و در جمله رفیق مائوتسه دون "از توده‌ها بیاموزید و به توده‌ها بیاموزید" حل مسأله مرکزیت و دمکراسی را میبینند.... مخفی کاری اگر اجازه نمیدهد که در مقابل توده غیرحزبی بتوانیم تمام مسائل را باز در میان بگذاریم جلو ما را که نمیگیرد که در هر هسته حزبی برپا یه دموکراسی مسائل را به بحث بگذاریم و مرکزحزب را بطور دموکراتیک بوجود آوریم....."

دوستی با امضای "وارطان" انتقادی بداستان کوتاه شماره اول نوشته است. ما در شماره آینده بطور مشخص با این انتقاد برخورد خواهیم کرد.

دوستان و رفقای عزیز! خواننده انقلابی! بما نامه بنویسید و انتقادات و نظریات خود را مطرح کنید. ما دست همکاری شما را میفشاریم. "ستاره سرخ"

آدرس پستی
Mme. Paola di Cori
C.P. 493 S.Silvestro
ROMA, ITALY

حساب بانکی
Günther Bock
Hamburger Sparkasse von1827
Kto. Nr. : 333_53798
Hamburg, W.Germany

است: فتح الهی نیاز دانشجوی سال سوم برق
پیوان دانشجوی سال دوم فیزیک — ستاری دانشجوی سال دوم متالوژی این سه نفر هنوز آزاد نشده‌اند....

۴۹/۳/۲۳

بقیه سرمقاله ... از "امکان گذار مسالمت آمیز" سخن میگویند. اربابان مسکوئی آنان در جریان سیاست سوسیال — امپریالیستی خویش همه نوشته‌ها را برای حفظ رژیم و تقویت آن بکار میبرند. آنها هرچه ظاهرا خود را از مرتدان و خائنانی مانند پارسانژاد و نیکخواه جدا مینمایند ولی در حقیقت همه آنها در زیر پرچم "رفرمیسم" میکوشند که از مبارزه قهرآمیز خلق جلوگیرند. ولی لکه‌های ننگین این کوششها هرگز نخواهد توانست آفتاب مبارزه مردم را بپوشاند.

سازمان انقلابی ما چند ین ماه قبل در مقاله "وضع ما هر روز بهتر و وضع دشمن هر روز بدتر میشود" اوجگیری نوین مبارزه را پیش بینی کرده بود. در اولین شماره "ستاره سرخ" نیز ما باین مسأله اشاره کردیم. در شرایطی که مبارزه خلقهای جهان هر روز ضربات جدیدی بر پیکر امپریالیسم فرود میآورد و تضادها و بحرانهای داخلی او را تشدید میکند، در شرایطی که در منطقه خاور میانه مبارزه خلق فلسطین و ظفار و سایر خلقهای عرب توسعه مییابد، در شرایطی که نابسامانی اقتصاد کشور در شهر و روستا هر روز افزایش یافته و بحران مالی تشدید مییابد، چه چیزی جز بر خاستن امواج اعتراض و مبارزه مردم میبایستی انتظار داشت. براستی امروز وضع خلق ما بهتر و وضع دشمنان خلق ما بدتر شده است. در چنین شرایطی وظیفه مارکسیست — لنینیستها و سایر انقلابیون چیست؟

انقلابیون ایران باید در طی این مبارزات افکار و اندیشه‌های انقلابی را هرچه وسیعتر میان مردم ببرند. مارکسیست — لنینیستها باید مارکسیسم — لنینیسم — اندیشه مائوتسه دون را در میان مردم زحمتکش تبلیغ کنند. آنها را هرچه بیشتر بدانش مارکسیسم — لنینیسم مسلح کردانند. تشکلهای خود بخودی آنها را تبدیل به تشکلهای نوینی که جوابگوی مبارزات عصر ما باشد بنمایند. تنها با شرکت در مبارزات مردم، تربیت انقلابی، تشکل دادن و سمت دادن صحیح به مبارزات آنهاست که مارکسیست — لنینیستها میتوانند شناخت خود را از مسائل انقلاب بالا برند و شرائط لازم را برای ایجاد حزب کمونیست ایران بوجود آورند تا انقلاب خلق به پیروزی نهائی هدایت شود. این سمت درست چیز دیگری جز سمت روستا نیست. تنها با اختیار کردن سمت روستا، ایجاد پایگاههای انقلابی در روستا و عبارت دیگر تنها با قبول راه محاصره شهرها از طریق دهات و متصل کردن به آن است که خلق ایران با ایجاد دمکراسی نوین بسلطه امپریالیسم و فئودالیسم پایان داده و راه را برای پیروزیهای باز هم بیشتری باز خواهد نمود. سمت روستا، راه محاصره شهرها از طریق دهات، راه انقلاب در کشورهای نیمه مستعمره — نیمه فئودال است همچنانکه مبینیرستان انقلابی در تهران طی اعلامیه‌ای تحت عنوان "خورشید میدرخشد و شرق سرخ فام است" خلق ایران را به مبارزه علیه امپریالیسم و حکومت ارتجاعی شاه دعوت کرده و از خلق میخواهند براهی گام گذارد که تجربه‌های آزادیبخش در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره در پیش گرفته‌اند.

اکنون قلبهای ما از مبارزات وسیع خلق قهرمان سلواز شاد است: مامطمئنیم که این تازه سرآغاز یک دوره جدید مبارزات نوین و همه جانبه‌ای است که در انتظار جامعه ماست. روشنفکران انقلابی باید خود را بر شرایط جدید انطباق داده و تدارک ببینند که هرچه زودتر در جهت پیوند با توده‌های دهقان و کارگر و در جهت روستا قدم بردارند تا بتوانند وظیفه‌ای را که نسبت به توده‌های خلق بر عهده دارند بخوبی انجام دهند.

خواننده عزیز

ما بمثابه یک نشریه مارکسیستی — لنینیستی از اصل تکیه بنیروی خود پیروی میکنیم. تکیه بنیروی خود یک شعار نیست. تکیه بنیروی خود بمعنی تکیه بچند نفر معدود نیز نیست. تکیه بنیروی خود برای هر امر انقلابی، یعنی تکیه بهمه انقلابیون، یعنی تکیه بر وسیعترین توده‌ها." ستاره سرخ" نیز فقط با تکیه هرچه بیشتر بوسیعترین قشرهای خوانندگان انقلابی خود قادر است که وظیفه خود را انجام دهد. بنابراین باید همه انقلابیون با انتشار آن کمک کنند. شما باید بماچه از نظر معنوی و چه از لحاظ مادی کمک کنید. بدون کمک شما قادر نخواهیم بود این نشریه را خوب و مرتب انتشار دهیم. برای ما مقاله بنویسید. ایده بدهید. عکس، شعر، داستان و ترجمه بفرستید. از همه مهمتر از ما انتقاد کنید. آدرس دوستان خود یا هر ایرانی که میشناسید برای ما ارسال دارید.

خواننده عزیز بما از لحاظ مادی کمک کنید. یکروز کار یا حتی کار دستجمعی بکمک دوستان انقلابی خود ترتیب دهید و ثمره آنرا برای "ستاره سرخ" بفرستید. یاری همه جا نبه شما کمک به انقلاب است. با سلامهای گرم.

"ستاره سرخ"

پیروز باد مبارزهٔ خلق فلسطین و دیگر خلقهای عرب علیه تجاوز امپریالیسم - صهیونیسم

www.iran-archive.com

خلیج فارس، منطقهٔ توفانی

اکنون خلیج فارس تبدیل به یک منطقه توفانی شده است. تضادها در این منطقه دائم در حال رشد ند و همراه آن مبارزه خلقها علیه امپریالیسم و ارتجاع اوج میگیرد. مبارزات توده ها در سراسر ساحل خلیج بطور اجتناب ناپذیر با جنبش انقلابی و اوج گیری آن در ایران پیوند دارد.

چرا خلیج یک منطقه توفانی است؟ زیرا این منطقه نقطه گرهی تضادهای مختلف است. در اینجا تضادهای خلق با امپریالیسم در شرایط مساعد جهانی روز بروز در حال حدت است. مبارزه خلق فلسطین علیه صهیونیسم و امپریالیسم از یک سو و مبارزه مسلحانه پیروزمند خلق در منطقه ظفار از سوی دیگر آگاهی سیاسی خلق را طی چند سال اخیر بسرعت بالا برده و خواست رزمجویانه آنها را تقویت بخشیده است.

تضاد دیگر در این منطقه، تضاد توده های دهقان و گله دار و توده های زحمتکش عشیره های صحرانشین با فئودالها و روسای عشایر است.

تضاد دیگر در این منطقه تضاد بین امپریالیستهای مختلف و بطور مشخص امپریالیسم امریکا و انگلستان است. استعمار انگلیس میخواهد با تمام توا از منافع امپریالیستی خود در این منطقه دفاع کند. حال آنکه امپریالیسم امریکا میخواهد در اینجا القمرا از چنگ رقیب برباید و خود بغارت توده های این منطقه بپردازد. کشمکش امپریالیستها در اینجا، بطور مشخص بصورت کشمکش بین ارتجاعیون دست نشانده شان نیز بروز میکند. شاه ایران، سلطان عربستان سعودی و امیر کویت یک اتحاد مثلث تشکیل داده اند که تحت رهبری شاه از منافع امپریالیسم امریکا دفاع مینماید. الیوت ریچاردسون معاون وزیر خارجه امریکا در ۲۲ آپریل امسال این مسأله را کاملا صریح بیان کرده است: "ما باید بکشورهای این منطقه و بخصوص مسأله رهبری ایران برای انجام امور برقراری جار و جنجال صلح و ثبات بنگریم".

از سوی دیگر امیران این شیخ نشین ها تحت حمایت استعماری انگلستان هستند و بساط حکمروائیشان فقط بزور ارتش آن دولت میتواند مدتی دوام داشته باشد. باین دلیل شاه و همپالکی هایش خواهان خروج ارتش انگلیس و برخی از شیخ نشین های این منطقه خواستار ماندن آنها هستند. اما این و آن همه خواهان یک چیزند: ادامه پاول و غارت و دوام حکومت ارتجاعی، همان چیزی که بزبان خودشان "حفظ آرامش و ثبات" نامیده میشود و در قاموس خلق جز ضد انقلاب معنائی ندارد. ناگفته نماند که سوسیال ـ امپریالیستها نیز در این امر با کمال میل با امپریالیستها هماهنگی دارند. مهدی وکیلی نماینده ایران در سازمان ملل علنا اظهار کرد که "تصور نمیرود که کشوری از بین رفتن آرامش خلیج فارس را بسود خود بداند."

در خلیج فارس امپریالیسم امریکا گفته اند و آن شاه است شیوه استعمار نوین را در پیش گرفته است. او مطرح میسازد که ارتش خارجی باید بیرون رود. ارتش بومی بکمک امپریالیستها تشکیل شود. بعضی رفرمها و اصلاحات نیز انجام شود. امپریالیسم امریکا گمان میکند که باینطریق میتواند از انقلاب جلوگیرد. هویدا در نطق خود این تز را چنین مطرح کرده است: "امنیت خلیج فارس باید منحصرا بدست سرزمینها و امیرنشینهای این منطقه سپرده شود و بهمه اخلال خارجی در این منطقه بهیچ وجه نباید امکان داده شود... چنین اقدامی (حضور نیروهای انگلستان) یادآور گذشته های استعماری است که همه باید تحقیر آن میکردند و ممکن است موجب ناراحتی ها و اغتشاشهائی شود که فقط بسود مخالفان صلح، ثبات، پیشرفت و همکاری دوستانه میان امیرنشینها و سرزمین های خلیج فارس تمام خواهد شد".

امپریالیسم امریکا توسط شاه، شیخهای این منطقه را دائما بتهران دعوت میکند و میخواهد آنها را بنوکری خود در آورد و صحت این سیاست را (برای حفظ فرمانروائیشان) به آنها بقبولاند. دولت "کارگری" انگلستان که مانند همه سوسیال دموکراتهای اروپا (ایتالیا، آلمان، فرانسه، بلژیک وغیره) عامل مستقیم امریکائیها بود قول داده بود که از تنگه انگلیس در سال ۱۹۷۱ از این منطقه بیرون برد. اکنون با روی کار آمدن محافظه کاران و امتناع آنان از تخلیه نیرو، تضاد بین امپریالیستهای امریکائی و انگلیس حاد تر شده و اوضاع منطقه نیز بحرانی تر گشته است. مذاکره چند ساعته شاه و هیوم در ریکسل بر گرد همین مسأله دور میزند است.

سیاست دولت کنونی انگلیس حفظ شرایط کنونی بشیوه استعمار کهنه است. او ارتش خود را که شامل نیروی هوائی، دریائی و فقط در بحرین و شارجه ۷۰۰۰ سرباز است در آنجا میخواهد نگهدارد.

ارتجاعیون دست نشانده امریکا و چه انگلیس مشغول تدارک برای مقابله با انقلاب هستند. هم اکنون شاه بگفته روزنامه های انگلیس یک اسکادران فانتوم از امریکا بخاطر همین مسأله گرفته است. و ارتش را آماده برای یک جنگ تجاوزی میکند. تبلیغاتی که بطور دایم در ارتش انجام میگیرد، کاملا نشاندهنده این واقعیت است که شاه خیال دخالت تجاوزکارانه با ارتش را نیز در سر دارد.

ملاقاتهای پی در پی با شیخ انجام میگیرد و مهمتر از همه بر سر بحرین نیز بین شاه و امپریالیسم انگلستان معامله ای صورت گرفته است. معامله بحرین بطور روشن بخاطر ارتش ضد انقلاب بوده است. شاه خود باین مسأله در مصاحبه اش با خبرنگار تلویزیون فرانسه اشاره میکند و میگوید "میتوان گفت که انصراف ما از دعوای ارضی نسبت به بحرین باین دلیل با خروج نیروهای انگلیس از خلیج فارس بستگی داشته که ما احساس میکرد بیاید قبل از پایان ۱۹۷۱ کاری در این زمینه انجام دهیم." سناتور مسعودی یکی از سخنگویان رسمی شاه در مورد معامله بحرین، مسأله را بصورت خواست سیاست ایران (بخوان امریکا) بر خلیج فارس در جلسه سنا چنین بیان میکند: "اهمیت خلیج فارس و منافع حیاتی ما در این منطقه بر کسی پوشیده نیست و با خصوصیاتی که از جهات مختلف برای تأمین این منظور بعرض رساندم، آیا همکاران محترم راه حلی از این بهتر و ابتکاری از این درخشنده تر میتوانند سراغ کنند که ما را بهدف فعالی خود و تجدید مجد و عظمت شاهنشاهی ایران در خلیج فارس و تأمین سیادت کامل ما در این منطقه و پیشگیری از اعمال نفوذ هر بیگانه که قصد تجاوز و استعمار کند، نائل سازد؟ مسلما خیر."

امپریالیستها اشتباه میکنند. آنها هر کاری بکنند از روند پر عظمت تاریخ جلو نمیتوانند گرفت. اگر قوای انگلستان این منطقه را تخلیه کند، نیروی عظیم خلق که هم اکنون باشدت مشغول سازماندهی و تدارک است، توفان آسا بساط فرمانروائی حکام مرتجع را درهم خواهد ریخت و شرایط قرون وسطائی و فئودالی خاص این منطقه را عوض خواهد کرد. اگر قوای شاه و مرتجعین عرب نیز بکمکشان بیایند باز هم آتش مبارزه این بار علیه این دست نشاندگان امپریالیسم امریکا تیزتر خواهد شد.

اگر هم قوای انگلیس در منطقه بماند، باز آتش جنگ رهائی بخش خلق علیه قوای استعماری هرچه فروزانتر خواهد شد و مانند منطقه ظفار سراسر خلیج را از وجود استعمارگران پاک خواهد کرد.

ظفار اکنون مانند پایگاه انقلابی برای همه این منطقه ارزش بینهایتی دارد و پیروزیهای روزافزون "جبهه آزادیبخش" در ظفار الهامبخش مبارز خلقهای سراسر این منطقه است.

و بالاخره مهمترین مسأله این است که افکار مائوتسه دون روز بروز در این منطقه بیشتر نفوذ میکند و گسترش مییابد. زمانی که توده های مردم این افکار را درک کردند آنگاه قدیل بشیوری مادی عظیمی خواهد شد که هیچ نیروئی را یارای مقاومت در برابر آن نیست.

برای ما ایرانیان اهمیت مبارزه انقلابی در خلیج فارس تنها از این لحاظ نیست که وابستگی های فشرده و زیادی بین خلقهای ساحل شمال و جنوب خلیج وجود دارد، تنها از این نظر هم نیست که شاه مستقیما عامل استعمار نقش مهمی در اجرای نقشه های امپریالیسم امریکا در این منطقه بازی میکند، بلکه وجود صدها هزار ایرانی بر سراسر شیخ نشینها آنرا پر اهمیت میسازد. اینها همه دهقانان و کارگرانی هستند که از سراسر ایران در جستجوی کار بآنجا آمده اند. ارتجاع ایران میکوشد با تزریق افکار ناسیونالیستی و ضد عربی از آنان بمثابه وسیله ای برای سیاست کثیف خود استفاده کند. ارتجاع عرب نیز با تحریک احساسات ناسیونالیستی عرب علیه ایرانیان باین نقشه کثیف میکند. وظیفه همه انقلابیون ایرانی و عرب است که با کار سیاسی بمقابله با این نقشه ارتجاع برخیزند. وحدت خلقهای ایران و عرب را تأمین و هرچه مستحکمتر نمایند و بر اساس آن در آیند و توفانی این منطقه در مبارزه علیه استعمار و ارتجاع، توده های هرچه بیشتری را بسیج کنند. این شعاری است که بالاخره رنگ حیات امپریالیسم، فئودالیسم و ارتجاع حاکم دست نشانده را چه در ایران و چه در همه سرزمینهای جنوب خلیج پارمیخواهد کرد. ■

مبارزات درخشان دانشجویان ایرانی در آمریکا

جنبش دانشجوئی خارج کشور بمثابه بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم میهن ما با حفظ سمت صحیح در جبهه مترقی و انقلابی قرار گرفته و خود را در خدمت مبارزات زحمتکشان قرار میدهد. کشف راسیون جهانی مواضع خود را در قبال مبارزات مردم ما مستحکمتر نمود و هرچه بیشتر نظرات سازشکارانه و تسلیم طلبی را که توسط رویزیونیستها و وطنی و عمال آنها و نظرات انحرافی و ضد انقلابی ای را که توسط انحلالیون با نفی مبارزات مردم تبلیغ میگردید، طرد کرده خطی مبارز و جوو قاطع را در پیش میگیرد. توده های وسیع دانشجویان نیز با درگیری در جنبشهای عملی توده ای در دفاع و پشتیبانی از مبارزات داخل کشور بپا خاسته و بسیج می شوند. این ضربه دیگری بر دهان ارتجاع و روشنفکران متزلزل مرتد است. از اولین امواجی که بشیوه ای نو در خارج کشور برخاسته است، مبارزه ایست که اخیرا توسط دانشجویان در شمال کالیفرنیا انجام گرفته است.

در ۲۵ ژوئن ۱۹۷۰ اشرف پهلوی خواهر شاه که از سردمداران کودتای ۲۸ مرداد و از گردانندگان شبکه های قاچاق مواد مخدر ماست با داشتن سمت رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد بشهر سانفرانسیسکو وارد میشود. علت این امر برگزاری جشن بیست و پنجمین سال ایجاد سازمان ملل متحد بود. از آنجا که این سگ زنجیری امپریالیستها برای توده های دانشجوئی شناخته شده است و توده ها نسبت باو کینه عمیقی دارند، موقعیت سیاسی برای آغاز یک مبارزه وسیع فراهم میآید. از اینرو ۴۱ تن از دانشجویان در روز ۲۶ ژوئن جهت اعلام پشتیبانی و حمایت از مبارزات عادلانه مردم در داخل کشور و اعتراض به سفر جدید اختناق در ایران به کنسولگری ایران در سانفرانسیسکو میروند. دانشجویان در کنسولگری بعنوان اعتراض عکسهای شاه را پاره میکنند و بر دیوارها شعارهای "مرگ بر شاه" وغیره مینویسند و بر سر در کنسولگری پارچه ای که بر روی آن شعار "شاه نوکر امپریالیسم امریکا است" را نصب مینمایند. حضور دانشجویان با روحیه رزمنده مسئولین و جیره خواران دولت را سخت بهراس میاندازد و به خواست پرویز جدل سرکنسول رژیم شاه (مأمور شناخته شده سازمان امنیت) پلیس فاشیست امریکا بداخل کنسولگری هجوم آورده و بدانشجویان حمله میکند. دانشجویان با روحیه ای آکنده از ایمان استوار به مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک خود و نهراسیدن از سختی ها و مرگ بدفاع از خود و حقوق خویش میپردازند. در زد و خورد یکه در میگیرد ۴ پلیس و ۸ تن از دانشجویان مجروح میشوند. لیکن از دانشجویان بعلت ضربات وارده برای چند روز قدرت حافظه خود را از دست میدهد و لیکن هم بعلت ضربه ای که بجمجمه اش وارد میشود برای چند روز بینائی محروم میگردد. با فشار فاشیستی ۴۱ تن دستگیر شده و به زندان میافتند و حدود ۱۰ روز در زندان بسر میبرند. در این مدت آنها با روحیه ای محکم و با دید خدمت بخلق باید از مقاومت میکنند و ضربه ای دیگر به ارتجاع که با بزندان کشیدن آنان خیال واهی خاموش کردن نشان را داشت میزنند. همکاری کنسولگری و مقامات قضائی امریکا جهت وارد آوردن فشار هرچه بیشتر بر این دانشجویان ماهیت سیاه امپریالیسم و ارتجاع را آشکارتر ساخته است. مقامات قضائی سانفرانسیسکو با تعیین وجه الضمانی بیش از صد هزار دلار ۴۱ تن دانشجو را آزاد کرده اند. نسبت دادن اتهاماتی پوچ به دانشجویان ماهیت پوشالی امپریالیسم و دستگاه های بیش از نمایان میسازد و نشان میدهد که دمکراسی امپریالیستی یعنی چه و همه دستگاه امپریالیسم در خدمت سرمایه داران انحصاری است. این جرقه از مبارزات دانشجویان موجی بزرگ در فعالیت و مبارزه مردم در میان دانشجویان بوجود آورده است. ارتجاع هنگامیکه متوجه شد زندانی کردن و فشار مالی بر دانشجویان اثری ندارد به وسیله دیگری متوسل شد. این وسیله از آثار دوران قرون وسطائی اروپا است و عبارتست از محاکمه دانشجویان توسط یک "هیأت منصفه" (گراند ژوری) در دادگاهی مخفی. این یک سلاح علنی فاشیسم است

این هیأت کمیته دون شاه بنفع امپریالیسم و علیه دانشجویان موضعگیری خواهد کرد نیز بر کاغذی است مبنی بر پیروزی است و با تکیه به توده هاست که میتوان پیروزی بکف آورد. تکیه گاه امپریالیستها و ارتجاعیون پوشالی و زوال یابنده است در حالیکه عناصر مترقی و جنبشهای دمکراتیک از پشتیبانی توده های مردم برخوردارند و سرانجام با عزم راسخ و نهراسیدن از قربانی و غالب آمدن بر هرگونه مشکلی بهر و زمیگردند. دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا موفقانه در این راه گام نهاده اند. آنها با مشی پشتیبانی از منافع مردم ایران و بخصوص زحمتکشان، مشکلات را بجان خریده اند و با بسیج توده ای سرآغاز جنبشی وسیع را فراهم آورده اند. آنها تبلیغات رژیم از طریق عناصر خود فروخته را که از پشت رادیو تلویزیون به تدابیر "خردمندانه" "شاهو" انقلاب "سفید تر" درود میفرستند، بهیچ گرفته نه تنها دلسرد نشدند بلکه جدیتر و محکمتر به پیش رفته اند.

"ستاره سرخ" از مبارزه درخشان این دانشجویان پشتیبانی میکند و معتقد است که در تحت لوای کنفدراسیون جهانی توده های وسیع دانشجوئی در خدمت مبارزه مردم و بخصوص زحمتکشان میهن ما قرار میگیرند. ما از تمام دانشجویان و عناصر مترقی دعوت میکنیم که در زیر لوای کنفدراسیون از این مبارزات پشتیبانی کنند و از طریق بسیج و تشکل از لحاظ مادی و معنوی بآن کمک رسانند.

بگذار این سیل رزمنده در میان دانشجویان ایرانی خارج کشور بشکند ■

★ مائه تصمیم از انقلابیون ایران یک هواپیمای شرکت هواپیمائی ایران را بمثابه یک عمل تبلیغاتی علیه رژیم مجبور به نشستن در فرودگاه بغداد کردند.

آنها طی مصاحبه های خود اظهار بی رحمی کردند که این عمل را درست در زمانی انجام داده اند که دو نفر انقلابی نما تسلیم شدند و برای رژیم تبلیغات میکنند و میخواستند بدین وسیله اعلام کنند که حرفهای آنها پوچ است و مردم ایران در شرایط دیکتاتوری علیه رژیم شاه مبارزه میکنند.

عملیات مجبور ساختن هواپیما بتغییر جهت با تدارک کامل انجام گرفته بود. ماست آنها و تپانچه ۴ بطری بنزین یک قطب نما و یک نقشه هوائی همراه خود داشتند. ۱۶ دقیقه پس از پرواز آنها با سلاح خلبان و کارکنان هواپیما را مجبور باطاعت مینمایند. حسن ملازاده جوان ۱۲ ساله نشریات درون هواپیما را جمع میکند و بنزین روشن میباشد این کار را در دست نزد یک صندلی چند امریکائی مسافر انجام میدهد. امریکائیها مجبور بودند در طول تمام مسافرت دستهای خود را بالا نگهدارند. در جریان پرواز برای مسافران بطور خصوصی بدانشی آموزان درس میداد تا معاش خود را تأمین نماید. ملازاده و حاجی حمیدی اصل باد بیات انقلابی و اندیشه مائوتسه دون دسترسی و آشنائی داشته اند و آنها را نیز در اختیار کسانی که بآنان اعتماد مینمودند قرار میدادند. آنها همه جا دست از مبارزه برنمیداشتند و وجود فشار و پیگردهای پلیس سرسختانه و بدون ترس از قربانی و مشکلات مبارزه کرده اند.

ـــ حسن ملازاده مبارز کوچک علی است که با وجود سن کم خود دارای آگاهی سیاسی بالائی است. او در پیامی که بوسیله رادیو برای همه پدران و مادران ایرانی فرستاد گفت که بکوشند تا فرزندان خود را انقلابی بارآورند.

درود بر این مبارزان شجاع!

ـــ مسعود حاجی حمیدی اصل، متولد ۱۳۲۴ رضائیه و دانشجوی سال سوم رشته شیمی دانشکده فنی تهران بوده است. او دارای سوابق فعالیت و مخالفت شدید با رژیم بوده، از جمله در کلاس ششم دبیرستان روزی انشائی راجع به شهیدان شانزده آذر نوشت که مورد اعتراض و خشونت اولیای دبیرستان قرار گرفت. در روز شانزده آذر ۱۳۴۴ نیز در صف سرویس دانشکده علوم دانشگاه تهران بخاطر یاد بود از شهیدان شانزده آذر بوسیله مأموران ساواک دستگیر و مدتها تحت نظر و پیگرد بود.

ـــ علی ملازاده متولد سال ۱۳۲۶ رضائیه، دانشجوی اخراجی دانشکده افسری میباشد. زیرا زیر بار انطباق کورکورانه ارتش پوشالی نرفت. بدینجهت او را در سال ۱۳۴۷ اخراج کردند. همچنین بعلت فعالیتهای ضد رژیم او را از دانشگاه صنعتی آریامهر در سال سوم رشته شیمی بود، اخراج نمودند. اخراج او اخیرا صورت گرفت، زیرا او در اعتصاب مردم تهران علیه شرکت اتوبوسرانی، فعالیت سیاسی و سازماندهی موثری داشت. ملازاده بخاطر عدم تمکن مالی بدانشکده افسری رفته بود، والا بهارتش پوشالی شاه ایمان نداشت. او حین تحصیل، در دبستانها و یا بطور خصوصی بدانش آموزان درس میداد تا معاش خود را تأمین نماید. ملازاده و حاجی حمیدی اصل باد بیات انقلابی و اندیشه مائوتسه دون دسترسی و آشنائی داشته اند و آنها را نیز در اختیار کسانی که بآنان اعتماد مینمودند قرار میدادند. آنها همه جا دست از مبارزه برنمیداشتند و وجود فشار و پیگردهای پلیس سرسختانه و بدون ترس از قربانی و مشکلات مبارزه کرده اند.

ـــ حسن ملازاده مبارز کوچک علی است که با وجود سن کم خود دارای آگاهی سیاسی بالائی است. او در پیامی که بوسیله رادیو برای همه پدران و مادران ایرانی فرستاد گفت که بکوشند تا فرزندان خود را انقلابی بارآورند.

درود بر این مبارزان شجاع!

www.iran-archive.com

در پشتیبانی از مبارزات قهرمانانه خلق علیه امپریالیسم و شاه، هرچه وسیعتر و یکپارچه در تظاهرات اوت کنفدراسیون شرکت کنیم